وجود قرائات مختلف در مدینه در عصر نزول و بعد از آن

شاگرد: وقتی قرآن در مدینه نازل شده چرا همه قرائت ها در مدینه مشهور نشده؟ یک قرائت در مدینه مشهور شد و وقتی به شهرهای دیگر رفت قرائت های دیگرش مشهور شد؟

استاد: در مدینه این قرائات بود. اتفاقا روایاتی که اهلسنت دارند، به این صورت است که میگویند دعواهای بین قرائات اصلش در مدینه رخ داد. ولی کسانی که در مدینه قرائات مختلف را تحمل کردند در بالا پخش شدند. بعدًا قرائت هر صحابی، در یک شهری به تواتر رسید. پخش شد. مکی بن ابیطالب هم توضیح داد. ولو در مختارش اشتباه کرد.

شاگرد: سوالم را به این صورت میپرسم که چرا هر قاری تنها یک قرائت را به شهرهای دیگر بردند، خُب هر کدام قرائتی را که شنیده بودند میبردند؟

استاد: اتفاقا از کلمات خیلی مهم علامه طباطبایی است. خُب شما میدانید که علامه طباطبایی یک عمر اشتغالشان به اینها بود. جزاف گو نیستند. در کتاب مهر تابان ببینید. در فدکیه یک عنوان باز کردهام تا شما که کار میکنید شواهد حرف این مرد بزرگ که در تفسیر کار کرده را ضمیمه کنید. در آن جلسه خصوصی ایشان میگویند نه تنها مصحف دو صحابی قرائتی بوده که از حضرت شنیده بودند و آن را ثبت کرده بودند، بلکه حتی یک صحابی دو جور مصحف داشت. این حرف آقای طباطبایی خیلی مهم است. یعنی ابی بن کعب چند قرائت داشت، ابن مسعود چند قرائت داشت.

شاگرد: در یک مصحف ابن مسعود «قل اعوذ برب الناس» جزء قرآن نیست و در یک مصحفی که الآن مشهور است و متواتر است سندش ابن مسعود است و جزء قرآن است. یعنی دو قرائت دارد.

استاد: یعنی ابن مسعود در روایتی آمده، و الا عاصم خودش میگوید من همه اینها را به‌عنوان قرآن متواتر از طریق زر بن حبیش از عبدالله نقل میکنم. اتفاقا جواب آن روایتی که از ابن مسعود میگویند، همین است. در جا انداختن افراد القرائه بعضی از آنها خیلی حساس بودند. این افرادالقرائه حساب خاص خودش را دارد.

رایت فی مصاحف عبدالله

بنابراین این حرف آقای طباطبایی خیلی مهم است. نمیدانم چند شاهد برای آن پیدا کردهام. ولی یک عنوانی گذاشتهام که بعدًا هر کسی مطالعه میکند ببیند این شاهد این کلام علامه است. مثلًا یکی از شاهدهایی که پیدا کردم این است: فرّاء مکرر میگوید «رایت فی مصحف عبد الله»، و در مواضع مکرر دیگر میگوید «رایت فی مصاحف عبدالله». یعنی مصحف با مصاحف فرق میکرده.

می دانستم چند جور مصحف دارد. مثلاً در یکی مصحف او به این صورت بوده و در مصحف دیگرش طور دیگری بوده. حالا باید به‌دنبال شواهدی برای حرف آقای طباطبایی باشیم.

شاگرد۲: اینها مؤید این می‌شود که در شهرهای دیگر هم باید بیش از یک قرائت ترویج می شده.

استاد: بله، اتفاقا کسانی که به‌دنبال فن قرائت بودند، اینها برایشان واضح بوده. اما بدنه مردم تاب اینها را ندارند. مخصوصاً که خود شارع روز اول افراد القرائه کرده. یعنی اجازه ندادن که در یک جلسه دو تا از آن‌ها را بگویید. این اجازه ندادن مهم است. اما اینکه اجازه ندادن حرام است یا نه، باید بحث کنیم. خلف الحسینی مصری در کتاب «الآیات البینات فی حکم الجمع بین القرائات» می‌گوید حرام است. می‌گوید اصلاً به هیچ وجه جایز نیست که شما مجاز باشید در یک جلسه قرائت دو قرائت را بخوانید. این کتاب را علیه قرائت های مصری نوشته است. اما خُب نوعا نظرشان این نیست.

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 14:47:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژوئن 2024 11:46:40 توسط ... .